



- صیانت و سامان‌دهی عرصه و حریم منظری تپه‌های باستانی سیلک  
محسن جاوری، مجید منتظر ظهوری، جواد حسین‌زاده
- آران و بیدگل در منابع تاریخی / محمد مشهدی نوش‌آبادی
- سه یار هم‌بیاله در روستای خزاق راوند (گزارشی از حضور چند سپاهی مسلمان در کاشان) / حسین ایمانیان
- چشم‌اندازهای کاشان شناسانه تواریخ مستقل قم و اصفهان و کاشان / محمدرضا مهدیزاده
- سیمای اجتماعی یهودیان کاشان در دوره صفوی / حسین حیدری، علی فلاحیان ولدقانی
- تأثیر نقاشان کاشانی بر پارچه‌های دوره صفوی / ملیحه قربانی، حسن عزیزی
- بررسی چهار گویش کاشان (ابوزیدآبادی، بزرگی، تجماجی، قهرودی) / سید طیب رزاقی
- نظام سنتی آبیاری چشمه سلیمانیه فین / عباس تراب‌زاده



پژوهش نامه کاشان، مجله تخصصی مرکز پژوهشی کاشان‌شناسی دانشگاه کاشان  
دوره جدید، شماره یازدهم (پیاپی نوزدهم) / پاییز و زمستان ۱۳۹۶

صاحب امتیاز: دانشگاه کاشان

مدیر مسئول: دکتر محمد مشهدی نوش آبادی

سر دبیر: دکتر محسن قاسم‌پور

ویراستار فارسی: دکتر محمد مشهدی نوش آبادی، معصومه عدالت‌پور

مترجم و ویراستار انگلیسی: امین مهربانی

هیئت تحریریه:

دکتر عباس اقبالی، دانشیار دانشگاه کاشان  
دکتر حسین ایمانیان، استادیار دانشگاه کاشان  
دکتر احمد بادکوبه هزاوه، دانشیار دانشگاه تهران  
دکتر علی بیات، دانشیار دانشگاه تهران  
دکتر ناصر تکمیل همایون، استاد بازنشسته پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
دکتر حمیدرضا جیحانی، استادیار دانشگاه کاشان  
دکتر امیرحسین چیت‌سازیان، دانشیار دانشگاه کاشان  
دکتر حسین حیدری، دانشیار دانشگاه کاشان  
دکتر داریوش رحمانیان، دانشیار دانشگاه تهران  
دکتر رضا شجری، دانشیار دانشگاه کاشان  
دکتر حسن فاضلی نشلی، استاد دانشگاه تهران  
دکتر محسن قاسم‌پور، دانشیار دانشگاه کاشان  
دکتر محمدعلی کاظم‌بیک، دانشیار دانشگاه تهران  
دکتر محمد مشهدی نوش آبادی، استادیار دانشگاه کاشان  
دکتر محسن معصومی، دانشیار دانشگاه تهران  
دکتر سید جمال موسوی، دانشیار دانشگاه تهران  
دکتر ابراهیم موسی‌پور، استادیار بنیاد دایرةالمعارف اسلامی

نشانی مجله: کاشان، بلوار قطب راوندی، دانشگاه کاشان، دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، مرکز پژوهشی کاشان‌شناسی

تلفن: ۰۳۱-۵۵۹۱۲۷۹۰

دورنگار: ۰۳۱-۵۵۹۱۲۷۹۳

کد پستی: ۵۱۱۶۷-۸۷۳۱۱۷

پست الکترونیکی: sh\_kashan@kashanu.ac.ir

نشانی الکترونیکی در بانک اطلاعاتی نشریات کشور: www.Magiran.com

مقالات این نشریه در پایگاه sh-kashan.kashanu.ac.ir نمایه می‌شود.



# کاشان

## پژوهشنامه

دوره جدید، شماره یازدهم (پیاپی نوزدهم) / پاییز و زمستان ۱۳۹۶  
پژوهشنامه کاشان، مجله تخصصی مرکز پژوهشی کاشان‌شناسی دانشگاه کاشان

- ۳ صیانت و سامان‌دهی عرصه و حریم منظری تپه‌های باستانی سیلک  
محسن جاوری، مجید منتظر ظهوری، جواد حسین‌زاده
- ۳۲ آران و بیدگل در منابع تاریخی / محمد مشهدی نوش‌آبادی
- ۵۶ سه یار هم‌پیماله در روستای خزاق راوند (گزارشی از حضور چند سپاهی مسلمان در کاشان)  
حسین ایمانیان
- ۷۰ چشم‌اندازهای کاشان‌شناسانه تواریخ مستقل قم و اصفهان و کاشان / محمدرضا مهدیزاده
- ۱۰۴ سیمای اجتماعی یهودیان کاشان در دوره صفوی / حسین حیرتی، علی فلاحیان وادقانی
- ۱۲۲ تأثیر نقاشان کاشانی بر پارچه‌های دوره صفوی / ملیحه قربانی، حسن عزیزی
- ۱۳۸ بررسی چهار گویش کاشان (ابوزیدآبادی، برزکی، تَماجی، قهرودی) / سید طیب رزاقی
- ۱۵۸ نظام سستی آبیاری چشمه سلیمانیه فین / عباس تراب‌زاده

پژوهش نامه کاشان، شماره یازدهم (پیاپی ۱۹)  
پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ص ۱۲۲-۱۳۷



## تأثیر نقاشان کاشانی بر پارچه‌های دوره صفوی

تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۴/۲۵

ملیحه قربانی\*  
حسن عزیزی\*\*

### چکیده

منسوجات دوره صفوی را می‌توان از نظر طرح و نقش، ترکیب‌بندی و حتی مضامین به سبک و سیاق نقاشان خاصی نسبت داد. این تأثیرپذیری از نقاشی، به صورت نقش انسان و نقش گل و مرغ، روی پارچه‌ها نقش بسته است. در این نوشتار، سعی شده چگونگی تأثیرپذیری پارچه‌ها از نقاشی (نگارگری) این دوره بررسی شود. بدین سبب، ابتدا کاشان و نقاشان کاشانی دوره صفوی، سپس وضعیت مراکز و طرح و نقش پارچه‌های این دوره و نفوذ روش‌های طراحی نقاشان کاشانی عبدالعزیز، علی اصغر کاشانی، رضا عباسی، معین مصور و شفیع عباسی مدنظر است. مشابهت‌های فراوان طرح و نقش در نگارگری و منسوجات، جای هرگونه شک و گمان را منتفی می‌کند. انجام این پژوهش و مستند شدن آن می‌تواند اهمیت همکاری‌ها را برای رسیدن به کیفیت‌های ویژه در هنرهای کاربردی یادآور شود. روش تحقیق در این پژوهش، توسعه‌ای، توصیفی تحلیلی و مقایسه تطبیقی بین نقوش نقاشی و منسوجات است. که مطالب و تصاویر آن به کمک اسناد معتبر کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

**کلیدواژه‌ها:** نقاشان کاشانی، نقش و طرح، پارچه‌های صفوی.

\* کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه کاشان، نویسنده مسئول / [ghorbany1351@yahoo.com](mailto:ghorbany1351@yahoo.com)

\*\* عضو هیئت علمی دانشکده هنر و معماری گروه فرش، دانشگاه کاشان / [hazizi79@yahoo.com](mailto:hazizi79@yahoo.com)

پژوهش نامه کاشان  
شماره یازدهم (پیاپی ۱۹)  
پاییز و زمستان ۱۳۹۶



•  
•  
•  
•  
•  
•  
•

## مقدمه

هنر بافندگی به همراه خلاقیت و ذوق هنری در طرح و نقش، رنگ و بافت، قدمتی به اندازه هزاره‌های پیش از میلاد دارد. تصاویر حجاری‌های دوره هخامنشی مبین عظمت و شوکت این هنر-صنعت در زمان خود است. در دوره ساسانی نوآوری‌های بسیاری در ابداع طرح‌های متنوع و زیبا صورت گرفت. در زمان آل بویه، با ورود اسلام، کاربرد خط کوفی روی پارچه‌ها متداول شد و در زمان سلجوقیه، طرح‌های اسلیمی و نقوش پیچیده و مفصل گیاهی و طوماری همراه با نقوش جانوران مختلف مرسوم شد. پس از استیلای مغول بر ایران، تصاویر جانوران و پرندگان چینی از دنیای نقاشی، به صورت موردی روی پارچه‌ها دیده می‌شود. حال هنر پارچه‌بافی در دوره صفوی، به گفته همه مورخان، درخشان‌ترین دوره عظمت و شکوه این هنر-صنعت از آغاز تاریخ تا آن عصر بوده است؛ که همانند هر هنر دیگری قائم به ذات و مستقل از زمانه خویش نبوده و مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زمینه رشد و شکوفایی این هنر را فراهم کرده است. در این میان، اعمال نفوذ نقاشان کارگاه‌های سلطنتی بر روی سایر رشته‌ها از جمله پارچه‌بافی دیده می‌شود. با نگاهی بر آثار نقاشان و مقایسه سبک و سیاق آنان با طرح و نقش پارچه‌های این دوره، می‌توان شیوه نقاشی خاصی را روی پارچه‌ها دید. البته تأثیرپذیری نقوش پارچه‌ها از نقاشی، به دوره مغول و تیموری برمی‌گردد. عناصری چون ابرها و ازدهای چینی به صورت موردی، روی پارچه‌ها دیده می‌شوند، اما در دوره صفوی، نقوش پارچه‌ها حتی تابع تحولات نقوش نگارگری می‌شود و سبک نقاشان به همراه مضامین و مفاهیم آثارشان، روی پارچه به میزان بیشتر و به صورت متداولی نمود می‌یابند. گویا نقاشان و طراحان دوره صفوی از جمله نقاشان کاشانی، با تولیدکنندگان پارچه‌های دوران خود، همکاری تنگاتنگی داشته‌اند؛ به طوری که بین طرح و نقش پارچه‌ها و نقاشی‌ها شباهت‌های فراوانی وجود دارد. حال دستیابی به چگونگی همکاری و تأثیرگذاری نقاشان کاشانی دوره صفوی، بر طراحی نقوش پارچه‌های این دوره، به همراه مجموعه تحولات موجود در عصر صفوی که هنر دوره خود را تحت الشعاع قرار می‌دهد، می‌تواند عواملی را که موجب رونق، شکوه و عظمت پارچه‌های دوره صفوی شده است، نشان دهد و لزوم همکاری‌های طراحان و نقاشان با عرصه‌های هنرهای دیگر را گوشزد نماید. درخصوص اینکه نقاشان و طراحان کاشانی دوره صفوی با تولیدکنندگان منسوجات دوران خود چه همکاری‌هایی داشته‌اند و بین طرح و نقش منسوجات این دوره با نقاشی‌ها چه ارتباطی وجود دارد، در کتاب *سیری در هنر ایران*، نوشته آرتور اپ‌هام پوپ مواردی بیان شده است. در برخی منابع دیگر از جمله *منسوجات اسلامی نوشته پاترشیا بیکر*،

تأثیر نقاشان  
کاشانی بر  
پارچه‌های  
دوره صفوی



•  
•  
•  
•  
•  
•  
•

تاریخ پارچه و نساجی در ایران نوشته فریده طالب‌پور، نگاهی بر پارچه‌بافی دوران اسلامی نوشته زهره روحفر و همچنین دو کتاب عصر طلایی هنر ایران نوشته شیلا کنبی و هنرهای ایران نوشته ر.دبلیو اشارات، نکاتی بیان شده است؛ اما درخصوص تأثیر مستقیم نقاشان درباری و مشارکت عملی این هنرمندان بر طرح منسوجات، تحقیق متمرکزی صورت نگرفته است. در این پژوهش توسعه‌ای، روش تحقیق، توصیفی و سپس تحلیلی است و شیوه دستیابی به اطلاعات، از طریق اسناد و منابع کتابخانه‌ای است. در این نوشتار سعی شده ابتدا با اشاره‌ای مختصر، وضعیت فرهنگی و مذهبی و اقتصادی شهر کاشان در دوره صفوی بیان شود و سپس از نقاشان مطرح این دوره نام برده شود. در ادامه، وضعیت نساجی دوره صفوی و مراکز بافت و انواع پارچه‌های این دوره مدنظر قرار گرفته است. همچنین به وضعیت کارگاه‌های سلطنتی در دوره صفوی و اثرگذاری نقاشان بر دیگر هنرها پرداخته شده و در این باره، همکاری هریک از نقاشان کاشانی با نساجان دوره صفوی بررسی گردیده است.

#### ۱. کاشان دوره صفوی

با آغاز سلطنت صفوی<sup>۱</sup> و دگرگون شدن اوضاع مذهبی و سیاسی و اقتصادی، اوضاع مناطق مختلف ایران دستخوش تحولاتی شد. «در این میان، کاشان به‌عنوان اولین شهرهایی است که به دین مبین اسلام و مذهب تشیع درآمد و در دوره صفویه توسط حکومت مرکزی، دارای فرمانداری شد. همچنین شاهان صفوی در طول حکومت خود، برای رفتن به مشهد مقدس و زیارت، از شهر کاشان عبور می‌کردند که خود موجبات توجه و عنایت شاهان وقت به کاشان شد و سبب رونق اقتصادی و فرهنگی گردید» (رجبی، ۱۳۹۰: ۲۱۱). مطرح بودن شهر کاشان در نظر پادشاهان صفوی و پیشرفت اقتصادی و فرهنگی این شهر، تا جایی پیش رفت که طبق نوشته پرویز رجبی در کتاب کاشان نگین انگشتی تاریخ ایران، شهر کاشان تا زمان شاه‌تیماسب - پسر شاه‌اسماعیل مؤسس سلسله صفویه - از لحاظ دینی، علمی و ادبی، به‌عنوان پایتخت مطرح گردید. (همان: ۳۰۹) به طوری که با مطالعه منابع مکتوب در زمینه فعالیت فرهنگی شهر کاشان در دوره صفوی، با اسامی افراد طراح و نقاش متعددی مواجه شده که حتی به دربار راه یافته‌اند. درباری که در زمان شاه‌اسماعیل اول (۹۰۷-۹۳۰ق) و شاه‌تیماسب (۹۳۰-۹۸۴ق) و شاه‌عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ق) «هنرمندان آن در صف سفیران می‌نشستند و دورانی ایجاد کردند که هنر مورد حمایت شاهان بود و عالی‌ترین جلوه قدرت دولت به شمار می‌رفت» (پوپ، ۱۳۸۰: ۱۲). حمایت شاهان صفوی تا حدی پیش رفت که حتی نقاشان در رأس کارگاه‌های سلطنتی قرار گرفتند. از میان نقاشان، نقاشان کاشانی دوره صفوی مطرح بوده‌اند تا

حدی که به دربار راه یافتند؛ از جمله آن‌ها عبدالوهاب و پسرش عبدالعزیز، علی‌اصغر کاشانی و پسرش رضا عباسی، معین مصور و شفیع عباسی را می‌توان نام برد. این نقاشان در کتابخانه‌های سلطنتی صفوی و در جوار هنرمندان دیگر هنرها از جمله هنرمندان کارگاه‌های نساجی فعالیت داشتند. در ادامه لازم است ابتدا به وضعیت نساجی دوره صفوی پرداخته شود.

## ۲. وضعیت نساجی دوره صفوی

پارچه‌بافی در دوره صفوی از نظر ظرافت بافت، تکنیک، نقوش و طرح به حد اعلائی رشد رسید. یکی از عوامل تأثیرگذاری که هنر بافندگی را ارتقا بخشید، توجه و حمایت شاهان صفوی، به‌خصوص شاه‌تیماسب و شاه‌عباس کبیر، به هنر بافندگی بوده که باعث رونق و ترقی آن در زمینه تولید انواع پارچه‌ها و تنوع در بافت و طرح و نقش بوده است.

حتی از همان ابتدای سلطنت صفوی، هنر بافندگی توسط شاه‌اسماعیل، مؤسس سلسله صفوی، مورد توجه قرار گرفت. «کارگاه‌های پارچه‌بافی و رنگرزی توسط شاه‌اسماعیل تأسیس شد و پرورش ابریشم نیز توسعه یافت. اما دشمنی با سلاطین عثمانی، منجر به تحریم اقتصادی و توقف صادرات گردید» (بیکر، ۱۳۸۵: ۱۱۸). وضع به همین منوال نماند؛ به طوری که طبق نوشته پاتریشیا بیکر در کتاب *منسوجات اسلامی*، اوضاع اقتصادی کشور در زمان شاه‌تیماسب بهتر شد و دربار به کنترل کیفیت و انحصار مواد اولیه از جمله ابریشم پرداخت (همان: ۱۱۷). با شروع سلطنت شاه‌عباس اول و رونق اقتصادی در این دوره، این پادشاه مقتدر، صنعت نساجی را به چنان مرتبه‌ای رساند که پشتوانه تجارت و سیاستش قرار گرفت. «پرورش کرم ابریشم را در ایالات ساحلی دریای مازندران رواج و رونق داد تا زنان و کودکان نیز با شغلی مناسب کسب معیشت کنند. در نتیجه، مقدار کافی ابریشم خام به روسیه و اروپا صادر شد. شاه‌عباس سازمان ابریشم‌بافی کشور را شخصاً زیر نظر گرفت، ضمن اینکه تجارت را تحت سرپرستی دولت قرار داده و به آن رونق بخشید» (فریه، ۱۳۷۴: ۱۵۹). با توجه به این اقدامات در دوره صفوی هنر-صنعت بافندگی از چنان پایه و اساس مستحکمی برخوردار بود که در اوضاع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی روبه‌زوال در اواخر سلسله صفویه نیز، همچنان در مسیر ترقی باقی ماند.

## ۳. مراکز بافت و انواع پارچه‌های دوره صفوی

در طول حکومت صفوی، با احداث کارگاه‌های بافندگی جدید توسط شاهان، مراکز متعددی در سطح کشور به وجود آمد. «در اثر دوراندیشی شاه‌عباس در شهرهایی مانند اصفهان، شیروان، قراباغ، گیلان، کاشان، مشهد و استرآباد، کارگاه‌های متعدد پارچه‌بافی تأسیس شد» (طالب‌پور،

۱۳۸۶: ۱۴۳). با توجه به احداث کارگاه‌های متعدد، شرایط اقلیمی متفاوت و دسترسی به مواد اولیه، محصولات متنوعی در جنس و بافت تولید گردید. «منسوجات خاص دوره صفوی چون پارچه‌های جناغی باف نخ، اطلس<sup>۳</sup>، ابریشمینه گل برجسته چینی، زری (زرپفت)<sup>۴</sup> و مخمل<sup>۵</sup> در کارگاه‌ها تولید شد» (فریه، ۱۳۷۴: ۱۵۹).

البته در بین این طیف وسیع، تولید مخمل بافی و زری بافی به علت حمایت شاه‌عباس اول، رونق بسیار یافت. «شاه‌عباس علاوه بر کارگاه‌های مخمل بافی در یزد و کاشان، در اصفهان نیز کارگاه‌های مخمل بافی تأسیس و استادان ماهری را به آنجا دعوت کردند» (روح‌فر، ۱۳۸۸: ۴۵). بنابراین، تولید مخمل در سه شهر یزد، کاشان و اصفهان تحت نظر دربار - شاه‌عباس و کارگاه سلطنتی - به کار پرداخت.

از سوی «هنر زری بافی نیز در زمان صفوی به خصوص شاه‌عباس، به اوج خود رسید که زری بافان در بافت انواع پارچه زرپفت که در کارگاه‌های یزد، کاشان، اصفهان و تبریز بافته می‌شد، اعجاز می‌کردند» (روح‌فر، ۱۳۸۸: ۴۲). بنابراین کاشان، یزد و اصفهان علاوه بر مخمل بافی، در هنر زری بافی نیز فعال بودند. تا پایان سلسله صفویه همچنان کارگاه‌های بافندگی تحت حمایت پادشاه سلطان حسین به کار ادامه می‌دادند؛ چراکه «آخرین پادشاه صفوی سلطان حسین (۱۱۰۵-۱۱۳۵ق) زندگی پر تجمل را دوست داشت و صنایع پارچه بافی را در یزد، کاشان و اصفهان رونق بیشتر بخشید» (فریه، ۱۳۷۴: ۱۶۸). بنابراین تولیدات زری و مخمل تا پایان سلسله صفوی رونق داشته‌اند. همان طور که گفته شد، هنر نساجی با وجود توجه و حمایت پادشاهان وقت و دربار، تحت نظر کارگاه‌های سلطنتی قرار داشته است. در اینجا لازم است به ویژگی‌ها و شرایط این کارگاه‌ها در دوره صفوی پرداخته شود.

#### ۴. کارگاه‌های سلطنتی دوره صفوی

کتابخانه سلطنتی صفوی مانند دوره ایلخانی - دوره پیشین - از دو بخش کتابداری و کتابت‌خانه تشکیل شده بود. کتابت‌خانه یا کارگاه هنری «به خصوص در مکتب هرات، صورت‌خانه نامیده می‌شد. صورت‌خانه جایی بود که در آن، علاوه بر حضور نقاشان و طراحان، امکانات خاص نقاشی از جمله نقوش و طراحی‌ها و الگوهای گوناگون نگهداری می‌شد و در صورت اقتضا، در اختیار نقاشان قرار می‌گرفت» (آژند، ۱۳۸۴: ۴۴).

نکته قابل توجه این است که نقاشان در کارگاه‌های سلطنتی دوره صفوی با حمایت پادشاهان این سلسله، در رأس کتابخانه سلطنتی قرار گرفتند، بدین سبب روی هنرهای دیگر تأثیرگذار

پژوهش‌نامه کاشان  
شماره یازدهم (پایه ۱۹)  
بایز و زمستان ۱۳۹۶





بودند؛ به طوری که تأثیرات به صورت نمود نقش مایه‌ها و مضامین نگاره‌ها روی دیگر آثار هنری، شاهدهی بر این ادعاست. «در تزیین منسوجات و سفالینه‌ها و کاشی‌های دوره صفوی و حتی قالی‌های آن، از ترکیب‌بندی‌های پیکره‌های نگاره‌ها و نسخه‌های مصور استفاده شد» (همو، ۱۳۸۹: ۵۱۲). به طور خاص «کتابخانه شاه‌تھماسب در سی سال نخست حکومت او، معدن طرح‌های تزیینی برای قالی‌ها و منسوجات و ساختمان‌ها و اشیای فلزی و احتمالاً وسایل چوبی بوده است. هنرمندان هم کتاب‌های مصوری با زیبایی شگفت‌انگیز پدید آوردند و هم طرح‌های خود را به هنرمندان رشته‌های دیگر انتقال دادند» (کنبی، ۱۳۷۸: ۶۴)؛ به طوری که این یکدستی در طراحی‌ها و نقوش پارچه و نگاره‌ها، نوعی عدم تنوع را در پی داشته است و به وضوح، انتقال طرح‌ها و نقوش را از نقاشی‌ها بر روی پارچه‌ها نشان می‌دهند.

انتقال طرح‌ها توسط طراحان و نقاشان در دوره شاه‌عباس نیز ادامه یافت. «تشکیلات کتابخانه و نقاشخانه در مکتب اصفهان با شکل‌گیری بیوتات سلطنتی در زمان شاه‌عباس اول از هم جدا شد و دو نهاد یا کارخانه مستقل از هم گردید. [...] نقاشخانه از سده یازدهم هجری به بعد، با سایر کارخانه‌هایی که با هنر سروکار داشتند، مستقیماً مرتبط بود. یکدستی و هماهنگی طرح ظروف چینی و سفالی، منسوجات (پارچه‌های ابریشمی، قالی‌ها، پرده‌ها) در این دوره، از این واقعیت مایه گرفته است» (آزاد، ۱۳۸۴: ۴۹). انتقال نقش‌ها و طرح‌های نقاشان که بدون هیچ دخل و تصرفی به دیگر هنرها راه یافتند.

به طور ویژه در خصوص پارچه‌های دوره صفویه باید گفت: «از کارخانه‌هایی که ارتباط مستقیم با کار نقاشخانه داشت، یکی شعر بَاف‌خانه (کارگاه بافندگی) بود. از نقاشان و طراحان نقاشخانه برای چاپ آرایه‌های زیبا بر روی پارچه‌های نفیس و گرانبها استفاده می‌شد» (همان: ۴۷). بدین سبب تأثیر طراحانی که پادشاهان صفوی در کارگاه‌های سلطنتی جمع کرده بودند، بر روی دیگر هنرها از جمله پارچه‌بافی، عمیق و نافذ بود. در ادامه به این مسئله پرداخته می‌شود.

## ۵. همکاری نقاشان کاشانی با نساجان دوره صفوی

البته تأثیرپذیری پارچه‌ها از نقاشی، به صورت موردی، به دوره‌های پیش از صفوی بازمی‌گردد؛ زیرا نقوش موجود در نقاشی‌های دوره مغول و تیموری، به صورت عناصر چینی ابر و ازدهای چینی در پارچه‌ها دیده می‌شود. ولی تأثیرپذیری پارچه‌ها از نقاشی در دوره صفوی شدت می‌یابد. «یکی از ویژگی‌های هنر پارچه‌بافی صفوی، همکاری نقاشان و نساجان در کانون هنری اصفهان بود؛ به طوری که بسیاری از طراحان پارچه از هنرمندان نقاش معروف این زمان بودند»

(روح فر، ۱۳۸۸: ۴۰). بنابراین برخی از طراحان و نقاشان دربار شاهی - اصفهان - از جمله معین مصور کاشانی در کارگاه‌های نساجی فعالیت داشته و بافنده نیز بودند. از سویی «کمال فنی پارچه‌های ابریشمی، زربافت و مخمل که در کارگاه‌های سلطنتی کاشان و احتمالاً یزد تولید می‌شدند، به‌علت سازماندهی عالی کارگاه‌های بافندگی تحت نظارت هنرمندان درباری بود» (اتینگ‌هاوزن، ۱۳۷۹: ۲۸۳). بنابراین پارچه‌های زربفت و مخمل کاشان و یزد تحت نظارت کارگاه اصفهان، همگی به‌علت اینکه خواستار جلب رضایت شاه‌عباس اول بودند، در نهایت دقت و کیفیت تولید می‌شدند و با همکاری دو گروه نقاشان و نساجان در کانون‌های هنری اصفهان و کاشان و یزد، تهیه پارچه‌های زربفت و مخمل که در نوع خود بی‌نظیر و جزء شاهکارهای هنری هستند، صورت گرفت و در نتیجه، نظارت نقاشان درباری، شیوه و سبک نقاشان اصفهان - کارگاه درباری - بر روی تولیدات دیده می‌شود.

تأثیرپذیری طرح و نقش پارچه‌های صفوی از نقاشی‌های این دوره، موجب تشابهات بین طرح و نقش پارچه‌ها و نقاشی است. «البته این تشابهات اثبات نمی‌کنند که طراحی و نقش پردازی هر دو کار را حتماً یک هنرمند مشهور انجام داده باشد، بلکه به این معناست که این شیوه در پارچه‌بافی با سبک و در نتیجه نام یک هنرمند، نشان‌دار و طبقه‌بندی می‌شود و در واقع با سبک آن هنرمند هویت می‌یابد» (پوپ، ۱۳۸۷، ج ۵: ۲۳۹۷). بنابراین سبک‌ها و شیوه‌های خاص می‌تواند با کار شاگردان و پیروان آن سبک و شیوه، تا سال‌ها روی پارچه‌ها نمود یابد.

حال در این قسمت، از مهم‌ترین نقاشان کاشانی دوره صفوی که سبک و شیوه نقاشی آنان روی پارچه‌ها نمود یافته است، می‌توان به عبدالعزیز، علی اصغر کاشی، رضا عباسی، معین مصور و محمد شفیع عباسی اشاره کرد.

**عبدالعزیز:** قاضی احمد منشی در کتاب گلستان هنر، دربار/ هنرمندان این دوره آورده است: «جمعی از نقاشان مکتب بهزاد از زمان شاه‌اسماعیل اول از هرات به تبریز منتقل گردیدند، از هنرمندان کاشانی هستند که از جمله خواجه عبدالوهاب نقاش کاشانی و استاد نقاشی شاه‌تھماسب صفوی و فرزند او عبدالعزیز بن خواجه عبدالوهاب و مولانا کمال‌الدین نقاش کاشانی است» (چیت‌سازیان، ۱۳۸۸: ۲۹). این هنرمندان کاشانی در مکتبی فعالیت داشتند که اولین ویژگی بارز نگاره‌های آن، کلاه قزلباشی<sup>۷</sup> است. «کلاه دوازده‌ترک قزلباشی در پنجاه سال نخستین سده دهم، در نگاره‌ها و قالی‌ها و پارچه‌ها، بارها نقش بسته و مهم‌ترین دلیل انتساب نگاره‌ها به دوره صفوی است» (آژند، ۱۳۸۹، ج ۲: ۴۸۳). نگارگران مکتب تبریز، «علاقه وافر به تصویر کردن محیط زندگی و امور

روزمره داشتند. آن‌ها می‌کوشیدند بازنمودی کامل از دنیای پیرامون را در نگاره‌های کوچک‌اندازه بگنجانند؛ و از این رو، سراسر صفحه را با پیکرها، تزیینات معماری و جزئیات منظره پر می‌کردند» (پاکباز، ۱۳۹۰: ۹۱). در ضمن «در مکتب صفوی به مناظر، روشنایی و فرشته طبیعی توجه شده است» (گل محمدی، ۱۳۵۶: ۳۲۶). مواردی که در پارچه‌ها و قالی‌ها نیز به‌کرآت نقش بسته است.

در نقاشی «کاروانی که زال را پیدا می‌کند» اثر عبدالعزیز (شکل ۱)، «خطوط پریچ وخم و منحنی که در ترسیم درختان و بوته‌ها و طرح صخره موجی شکل به کار گرفته شده، بسیار چشمگیر است. نقش سیمرغ، مرغ افسانه‌ای، جریان پویایی از انرژی را ایجاد کرده که با زمینه طلایی‌رنگ و سایه‌هایی به رنگ آبی و بنفش و سبز زمردی و قرمز و صورتی متعادل شده است» (سودآور، ۱۳۸۰: ۱۶۴). زمینه طلایی‌رنگ، نقش سیمرغ و ابرها در این اثر، قابل توجه است. سیمرغ با بال‌ها و دم بلند و حالت‌دارش دیده می‌شود. سیمرغ با همان حالت و رنگ‌های آبی و زرد طلایی در طرح و نقش پارچه ساتن سده دهم (شکل ۲) نیز نمود یافته است.



شکل ۱: کاروانی که زال را پیدا می‌کند، تبریز حدوداً ۹۳۱ق، از شاهنامه شاه تهماسب (سودآور، معصومه (س)، قم (خلیل زاده مقدم، ۱۳۹۱: ۳۷) شکل ۲: نقش ازدها و سیمرغ، پارچه ساتن مربوط به سده دهم هجری. موزه آستانه حضرت

(۱۳۸۰: ۱۶۵)

**مولانا علی اصغر کاشی:** در کتاب *بزرگان کاشان*، نوشته افشین عاطفی آمده است: «مولانا علی اصغر پدر آقا رضا که استادی بی‌نظیر بوده و در پرداخت و رنگ‌آمیزی و کوه‌پردازی و درخت‌سازی از اقران پیش بود. ابتدا نزد سلطان ابراهیم میرزا مقرب و در زمان شاه اسماعیل ثانی در کتابخانه سلطنتی کار می‌کرد» (عاطفی، ۱۳۸۹: ۱۷۳). مولانا علی اصغر در دوره‌های مختلف در کتابخانه‌های درباری به فعالیت مشغول بوده است و این نشان از مقام بالای هنری او دارد. نکته مهم در آثار این هنرمند، این است که ترسیم پیکره‌های نقاشی علی اصغر «با حرکت بسیار سریع و زیبای قلم صورت می‌گیرد و نتیجتاً موجب می‌شود که پیکره‌ها سبک وزن و تصنعی به نظر برسد. تمثال‌ها

در حال قدم زدن یا دویدند و شناور جلوه می‌کنند، گویی زمین جاذبه لازم را ندارد» (سودآور، ۱۳۸۰: ۲۵۳). در پارچه ساتنی که مربوط به سده دهم است (شکل ۴)، ویژگی‌های ترسیمی این طرح را به علی اصغر کاشی نسبت می‌دهند؛ چراکه پیکرها همانند کارهای این نقاش کاشانی (شکل ۳)، بی‌وزن و معلق به نظر می‌رسند. بدین دلیل پوپ عقیده دارد: «مشخصات و ویژگی‌های پارچه ساتن ناشی از مشارکت نقاشان کاشان در امر طراحی آنهاست» (پوپ، ۱۳۸۷، ج ۵: ۲۴۰۹).



شکل ۴: پارچه ساتن، سده دهم هجری، مجموعه اکرمین (پوپ، ۱۳۸۷، ج ۱۱: ۲۴۰۹)



شکل ۳: شاه و گدای هلالی، منسوب به علی اصغر، احتمالاً قزوین، حدوداً ۹۸۱ق (سودآور، ۱۳۸۰: ۲۵۳)

**رضا عباسی:** رضا پسر علی اصغر کاشانی، به سبب چیره‌دستی و مهارت در کار خود، مورد حمایت شاه‌عباس کبیر بود و به تعبیر قاضی احمد، «همگی استادان و مصوران نادره زمان، او را به استادی و مهارت می‌پذیرند و چیرگی قلم او را تأیید می‌کنند» (آژند، ۱۳۸۹، ج ۲: ۶۰۹). در کتاب سیری در هنر ایران نوشته آرتور پوپ، نیز ویژگی‌هایی از کارهای رضا عباسی نگاشته شده است: «به‌طور کلی، خطوط طراحی با ضخامت‌های مختلف و عمامه کج و موهای کرکی و مجعدی که از زیر عمامه بیرون زده و تموج بالای عمامه و خمیدگی پیکرها به جلو، از روال کارهای رضا عباسی است. در محیط آثار رضا، درخت‌های کوچک بوته‌ای که از برگ‌های منظم و گوشه‌دار پر شده‌اند و از شیوه بهزاد اقتباس یافته‌اند، به‌صورت عنصر اصلی و تزیین گیاهی به کار می‌روند. در آثار شاگردانش نیز این رویه ادامه دارد. همچنین فضاهای خالی میان نقوش انسان‌ها در آثار رضا توسط دسته گل پر شده است» (پوپ، ۱۳۸۷، ج ۵: ۲۴۳۱).

رضا عباسی بنیانگذار مکتب نقاشی اصفهان است که «یک شیوه ایرانی با کیفه‌ها و به‌خصوص حالت چشمان کاملاً ایرانی است و در این سبک سعی شده است که موضوعات و صحنه‌ها در میان باغ‌های ایرانی نقش گردد» (روح‌فر، ۱۳۸۸: ۵۷) (شکل ۶). جوانی با کلاه

عمامه‌ای موج‌دار دیده می‌شود که موهای مجعد او از زیر کلاه، روی گونه‌هایش ریخته است و نقوش زمینه‌ای این پارچه هم درختچه‌ها و دسته‌گل‌هایی است که مابین پیکرها قرار گرفته‌اند. تماماً ویژگی‌های نقاشی رضا عباسی (شکل ۵) را منعکس می‌کنند.



شکل ۶: ابریشم، کاشان یا اصفهان، اوایل سده یازدهم (پوپ، ۱۳۸۷، ج ۱۱: ۱۰۵۸)



شکل ۵: جوان کتاب‌خوان، حدود ۹۹۸-۱۰۳۹ق (سودآور، ۱۳۸۰: ۲۶۸)

شکل (۸) نیز فردی را نشان می‌دهد که با همان کلاه عمامه‌ای و خمیدگی بدن به جلو ترسیم شده است. ویژگی‌های طراحی رضا عباسی در این کار نیز به‌خوبی مشهود است؛ چراکه پیکره‌هایی ترسیم کرده که از نظر اندازه با پرنده‌های روی درخت متناسب نیست. «تأکید و قوت بخشیدن به نقش‌مایه با خروج از اعتدال، از ویژگی‌های طراحی قلمی رضا عباسی است» (پوپ، ۱۳۸۷: ۲۴۱۸). همان‌طور که در نقاشی (شکل ۷) بالاتنه شیرین و اندازه‌اسب با سایر قسمت‌های نگاره متناسب نیستند. خروج از اعتدال و تناسب در این کار دیده می‌شود.



شکل ۸: مخمل، زمینه از تارهای فلزی، کاشان، سده یازدهم. موزه اباتلی بادن، کارلسروهه (پوپ، ۱۳۸۷، ج ۱۱: ۱۰۶۲)



شکل ۷: بلند کردن فرهاد شیرین را با اسب روی شانه‌هایش، اوایل سده یازدهم. نسخه خسرو شیرین. (کنبی، ۱۳۸۴: ۱۶۷)

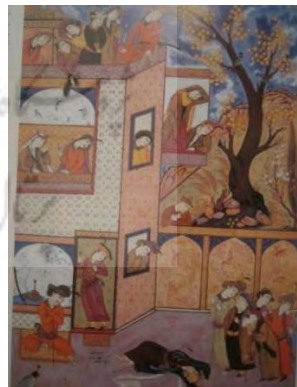
تأثیر نقاشان  
کاشانی بر  
پارچه‌های  
دوره صفوی

## ۶. معین مصور و شفیع عباسی

در دوره شاه‌عباس دوم، هنرمندان کاشانی از جمله شفیع عباسی پسر رضا عباسی، و معین مصور شاگرد و داماد رضا عباسی فعالیت داشته‌اند. معین مصور «در فاصله سال‌های ۱۰۴۴ق تا ۱۱۱۸ق، به فعالیت هنری پرداخت. پیرو سبک استادش رضا عباسی بود؛ ولیکن در اواسط عمر خود، از خطوط آزاد و شلاقی در کارهایش استفاده می‌کند و اسلوب کاری‌اش مشابه کار با آب مرکب است. کارهای اواخر عمر او از شیوه رایج اروپایی و هندی تأثیر اندکی دارد» (ره‌نورد، ۱۳۸۶: ۱۴۸). همچنین در آثار معین مصور، مواردی خاص وجود دارد که: «صورت‌های گرد با بدن‌های کشیده و گردن‌های خم‌شده به یک طرف دیده می‌شود. علاقه معین به رنگ صورتی یا ارغوانی روشن برای زمینه، کاری قابل توجه است. در مرقع‌هایی که معین کار کرده، ابرهای طلایی به صورت رشته‌رشته و گیاهان دسته‌دسته دیده می‌شود. تعداد اشخاص در صحنه کم شده و به سطح کار نزدیک شده‌اند (کنبی، ۱۳۸۶: ۱۳۴). این ویژگی‌ها در آثار او، باعث گرایش آثارش به نوعی لطافت زنانه می‌گردد. درباره کار معین مصور و ارتباط او با پارچه‌های دوره صفوی، نمونه منحصر به فردی وجود دارد (شکل ۱۰). «این پارچه بسیار جالب متعلق به زری‌بافی مکتب اصفهان و تابع سبک نقاشی رضا عباسی و شاگردش معین مصور می‌باشد و نشان‌دهنده ارتباط هنر نقاشی با پارچه‌بافی است، نقاش معروف آن زمان یعنی معین مصور، خود بافنده و طراح پارچه نیز بوده است» (روح‌فر، ۱۳۸۸: ۵۷). تنها نمونه‌ای که طراح روی پارچه و بافنده آن، یک نقاش کاشانی، یعنی معین مصور کاشی، بوده است.



شکل ۱۰: پارچه زری اطلس، قرن ۱۱ (۱۰۵۱ق).  
اصفهان، عمل معین مصور (روح‌فر، ۱۳۸۰: ۵۶)



شکل ۹: عاقبت پیرمرد بلهوس، اصفهان،  
۱۰۵۷/۱۶۴۷، موزه بریتانیا (کنبی، ۱۳۸۶: ۱۳۵)



نقاش کاشانی دیگر، شفیع عباسی است که در منابع مختلف به کارهایش پرداخته‌اند، از جمله اینکه: «شفیع، نقاش دربار شاه‌عباس دوم بوده است. چنین می‌نماید که او در ترسیم پرندگان و گل‌ها و شاخه‌ها تخصص ویژه‌ای داشته است» (سودآور، ۱۳۸۰: ۲۹۸) درخصوص نقاشی گل و مرغ که در آثار شفیع به صورت شیوه شخصی درآمد و «شفیع این شیوه را به جایی رساند که یکی از مهم‌ترین شیوه‌های هنری در طول دو قرن شد. طراحان پارچه در سده یازدهم هجری، این شیوه را به اوج رساندند» (پوپ، ۱۳۸۷: ۲۴۴۳). یک نمونه (شکل ۱۱) با رقم شفیع عباسی است. اما «در گروهی از پارچه‌های مخمل با طرح زنان جفتی در کنار حوض آب، کتیب‌های به مضمون عمل شفیع، بدون دنباله عباسی می‌تواند به معنی تاریخی در دوره شاه‌صفی باشد» (فریه، ۱۳۷۴: ۱۶۶).



شکل ۱۲: مخمل ابریشمی نیمه اول سده یازدهم

(فریه، ۱۳۷۴: ۱۶۶)

[www.catchy.ro](http://www.catchy.ro)



شکل ۱۱: طرح برای پارچه

رقم: شفیع عباسی

(پوپ، ۱۳۸۷: ۱۰۵۶ پ)

## نتیجه‌گیری

پارچه‌های دوره صفوی که در قله رفیع شکوه و عظمت قرار دارند، مانند هر هنر دیگری در مسیر شکوفایی، بالندگی و رسیدن به این مرحله، قائم‌به‌ذات و مستقل از زمانه خویش نبوده است. به‌طور مسلم، عواملی چند در کنار یکدیگر، خالق پارچه‌های صفوی بوده که مایه مباهات ایرانیان و بهت و حیرت جهانیان شده است.

در اولین قدم، شاه‌اسماعیل با بنیانگذاری حکومتی مقتدر بر ایران، پیشگام است و به‌دنبال آن، حمایت شاهان این سلسله، شاه‌تهماسب و به‌ویژه شاه‌عباس اول، در ایجاد ثبات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و رونق اقتصادی و تجاری، موجب پیشرفت و غنای هنرها از جمله نگارگری و نساجی شده‌اند.

تأثیر نقاشان  
کاشانی بر  
پارچه‌های  
دوره صفوی



•  
•  
•  
•  
•  
•  
•

در ابتدای سلسله صفوی، در نتیجه جمع‌آوری هنرمندان برتر ایران‌زمین، به‌ویژه از شهر کاشان، و حمایت همه‌جانبه آن‌ها توسط شاه‌اسماعیل، مکتب تبریز پایه‌گذاری شد. در این میان، آثار نقاش کاشانی، عبدالعزیز، و ویژگی آن‌ها در پارچه‌ها دیده شد. با توجه به مطالبی که درخصوص کتابخانه سلطنتی شاه‌تھماسب گفته شد، همگونی و یکدستی طرح‌ها و نقوش در بین نگاره‌ها و پارچه‌ها دیده می‌شود و عدم تنوع طرح‌ها را در هنرهای نگارگری و پارچه‌بافی می‌توان دید که نشان از مشابهت‌های فراوان طرح‌های نگارگری با پارچه دوره صفوی است.

در ادامه، در دوره شاه‌عباس اول، ویژگی‌های نقاشی مکتب اصفهان که توسط رضا عباسی کاشانی به منصفه ظهور رسید، توسط خود هنرمند و به‌دنبال آن پیروانش، تقریباً یک سده روی منسوجات نقش بست و زیبایی بصری و شکوه هنر پارچه‌ها را به‌ارمغان آورد. حتی معین مصور کاشانی نیز با ادامه سبک استاد خود، رضا عباسی، طرح‌هایی را برای پارچه‌ها ترسیم کرد که بعضاً خود او بافنده پارچه نیز بوده است. بدین ترتیب، طراح نگارگر و بافنده پارچه یک نفر بوده است. در ادامه، بار دیگر نقاشی از کاشان شفیع عباسی با مکتب نقاشی گل و مرغ خود، تا مدت‌ها طراح پارچه‌ها بوده است.

از این دیدگاه، پارچه‌ها بر اساس سبک طراحی نقاشان مطرح صفوی، از جمله نقاشان کاشانی نامبرده شده، بررسی و هویت می‌یابند. پس می‌توان گفت: نقاشانی از کاشان در دوره صفویه، پایه‌گذار سبک خاصی در نقاشی بودند که در پی آن، تأثیرپذیری طرح و نقش پارچه‌های دوره صفویه از این نقاشی‌ها دیده می‌شود. بدین سبب مراکز تولیدی پارچه‌ها، به‌ویژه مراکز شهرهای کاشان و یزد نیز وامدار ابتکارات خلق‌شده در آثار نقاشان کاشانی بوده‌اند.

#### جدول وجه اشتراک پارچه و نقاشی (نگارنده)

نام هنرمند	نقاشی	پارچه	وجه اشتراک
عبدالعزیز (صفویه تبریز) قرن دهم پژوهش‌نامه کاشان ۶ شماره یازدهم (پایه ۱۹) بایز و زمستان ۱۳۶۶	 تبریز، حدوداً ۹۳۱ق	 پارچه ساتن سده دهم	در اثر «کاروانی که زال را پیدا می‌کند»، سیمرغ با بال‌ها و دم بلند و حالت‌دارش دیده می‌شود. و اینک با همان حالت و رنگ‌های آبی و زرد طلایی، در طرح و نقش پارچه ساتن سده دهم نیز نمود یافته است.



<p>پیکره‌های نقاشی بی‌وزن و معلق به نظر می‌رسند. ابرهای رشته‌ای شکل نیز از شاخصه‌های کار علی‌اصغر است. طرح روی پارچه را به علی‌اصغر کاشی نسبت می‌دهند؛ چراکه ابرها و پیکره‌ها همانند نقاشی‌های این هنرمند، معلق و بی‌وزن هستند.</p>	 <p>پارچه ساتن، سده دهم هجری</p>	 <p>احتمالاً قزوین، حدوداً ۹۸۱ق</p>	<p>علی‌اصغر (صفویه قزوین) سده ۱۰ و ۱۱ق</p>
<p>در نقاشی چشم‌های بادامی، ابروانی پیوسته و مردی با کلاه عمامه‌ای موج‌دار دیده می‌شود که موهای مجعد او از زیر کلاه روی گونه‌هایش ریخته است. ویژگی‌های آثار رضا عباسی. در پارچه نیز همان چشمان و ابروان دیده می‌شود. در ضمن، کلاه عمامه‌ای موج‌دار، موهای مجعد و چین آستین‌ها و دستار نقاشی‌های رضا عباسی دیده می‌شود.</p>	 <p>ابریشم، اوایل سده ۱۱ق</p>	 <p>جوان کتابخوان حدود ۹۹۸-۱۰۳۹ق</p>	<p>رضا عباسی (صفویه اصفهان) ۱۱ق</p>
<p>تأکید و قوت بخشیدن به نقش مایه با خروج از اعتدال، ویژگی قلم رضا عباسی است. این ویژگی در اندازه اسب و بلندی بالاتنه شیرین نیز مشاهده می‌شود. در این پارچه، اندازه پرنده با پیکره‌های انسانی تناسب ندارد و ویژگی قلم رضا عباسی را نشان می‌دهد.</p>	 <p>مخمل، سده ۱۱ق</p>	 <p>اثر رضا عباسی، اوایل سده ۱۱ق</p>	<p>رضا عباسی (صفویه اصفهان) ۱۱ق</p>

تأثیر نقاشان  
کاشانی بر  
پارچه‌های  
دوره صفوی

<p>یک نمونه مهم پارچه زری قرن ۱۱ هجری است که نقاش معروف معین مصور، شاگرد رضا عباسی، خود، طراح و بافنده پارچه بوده است.</p>	 <p>تولید پارچه زری اطلس مدنظر است که در قرن یازدهم هجری، نقاش کاشانی، معین مصور کاشی، بافته است.</p>	 <p>طراحی روی پارچه زری اطلس مدنظر است که نقاش کاشانی، معین مصور کاشی، کشیده است.</p>	<p>معین، مصور پیرو مکتب رضا عباسی</p>
<p>طرحی از گل و پروانه که رقم شفیع عباسی را دارد. گروهی از مخمل‌ها با طرح زنان جفتی در کنار حوض آب، که در دو نمونه بر بالای سر آنان، عمل شفیع نگاشته شده است.</p>	 <p>مخمل سده ۱۱ق. عمل شفیع روی پارچه درج شده است.</p>	 <p>طرح شفیع عباسی برای پارچه، رقم شفیع عباسی</p>	<p>شفیع، عباسی</p>

### پی‌نوشت‌ها:

- دولت صفوی پس از گذشت نهمصد سال از انحلال دولت ساسانیان، روی کار آمد و بنابه نظر بسیاری از محققان، حکومت ایران را به مرتبه دولت ملی ارتقا داد و نخستین حکومت بزرگ و یکپارچه در ایران پس از اسلام را که از لحاظ وسعت و اعتبار، کم از ساسانیان نبود، ایجاد کرد [...]. بسیاری از صاحب‌نظران تاریخ تحولات اجتماعی در ایران، مهم‌ترین عامل تحولات اجتماعی عصر صفوی را تصمیم شاه‌اسماعیل صفوی در اعلام تشیع اثنی‌عشری به سال ۹۰۷ق/۱۵۰۷م دانسته‌اند (سیوری، ۱۳۷۲: ۲۵).
- از زمان شاه‌تهماسب، کاشان به دلیل مرکزیت امور شرعی، پایتخت مذهبی کشور شناخته شد و به دارالمؤمنین مشهور شد (چیت‌سازیان، ۱۳۸۸: ۱۱).
- ساتن.
- زربافت، پارچه‌ای است که در آن، رشته‌های طلا و نقره به کار رفته باشد (طالب‌پور، ۱۳۸۶: ۱۳۶).
- نوعی پارچه نخی یا ابریشمی که یک روی آن پرزدار است و به یک طرف خواب دارد (همان: ۱۳۸).
- شعر به معنای موی باریک و موی انسان یا حیوان است. شعر در بافندگی، نوعی پارچه از ابریشم است (نیازی، ۱۳۹۱: ۸۳).

پژوهش‌نامه کاشان  
شماره یازدهم (پایه ۱۹)  
بایز و زمستان ۱۳۹۶

۷. کلاهی (قرمز یا سیاه) با تاجی بلند که دستاری دوازده بار به دور آن پیچیده می‌شود (پاکباز، ۱۳۹۰: ۸۶).

#### منابع

- آژند، یعقوب، ۱۳۸۹، نگارگری ایران، تهران: انتشارات سمت.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۴، «تشکیلات کتابخانه و نقاش‌خانه در مکتب اصفهان»، گلستان هنر (۲): ۴۴-۵۰.
- اتینگ‌هاوزن، ریچارد، و احسان یارشاطر، ۱۳۷۹، *اوج‌های درخشان هنر ایران*، ترجمه هرمز عبداللهی و رویین پاکباز، تهران: انتشارات آگاه.
- بیکر، پاتریشیا، ۱۳۸۵، *منسوجات اسلامی*، ترجمه مهناز شایسته‌فر، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.
- پاکباز، رویین، ۱۳۹۰، *نقاشی ایران از دیرباز تا امروز*، تهران: انتشارات زرین و سیمین.
- پوپ، آرتور اپ‌هام، ۱۳۸۰، *شاهکارهای هنر ایران*، ترجمه پرویز نائل خانلری، تهران: علمی و فرهنگی.
- پوپ، آرتور اپ‌هام، و فیلیس اکرم، ۱۳۸۷، *سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)*، جلد پنجم، ترجمه نجف دریابندری و دیگران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۷، *سیری در هنر ایران (از دوران پیش از تاریخ تا امروز)*، جلد یازدهم (لوح‌های ۹۸۱-۱۱۰۶)، ترجمه نجف دریابندری و دیگران، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- چیت‌سازیان، امیرحسین، ۱۳۸۸، *نگاهی بر تاریخ درخشان فرش کاشان*، تهران: انتشارات سروش.
- خلیل‌زاده مقدم، مریم، و ابوالفضل صادقی‌پور فیروزآباد، ۱۳۹۱، «بررسی تطبیقی نقوش پارچه‌های صفوی و گورکانی»، هنر و معماری: نگره (۲۱)، ۲۰-۳۷.
- رجیبی، پرویز، ۱۳۹۰، *کاشان نگین انگشتی تاریخ ایران*، بی‌جا: نشر پژواک کیوان.
- رهنورد، زهرا، ۱۳۸۶، *تاریخ هنر ایران در دوره اسلامی: نگارگری*، تهران: انتشارات سمت.
- روح‌فر، زهره، ۱۳۸۸، *نگاهی بر پارچه‌بافی دوران اسلامی*، تهران: انتشارات سمت.
- سودآور، ابوالعلاء، ۱۳۸۰، *هنر دربارهای ایران*، ترجمه ناهید محمد شمیرانی، تهران: انتشارات کارنگ.
- سیوری، راجر، ۱۳۷۲، *ایران عهد صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، تهران: انتشارات مرکز.
- نیازی، محسن، و فهیمه استرکی، ۱۳۹۱، «شعربافی در کاشان» (تحلیلی بر فرایند تاریخی، فعالیت‌ها، مراحل و دست‌بافته‌های شعربافی)، پژوهش‌نامه کاشان (۱): ۸۰-۱۰۴.
- طالب‌پور، فریده، ۱۳۸۶، *تاریخ پارچه و نساجی در ایران*، دانشگاه الزهرا (س).
- عاطفی، افشین، ۱۳۸۹، *بزرگان کاشان*، کاشان: انتشارات مرسل.
- فریه، ردلیو، ۱۳۷۴، *هنرهای ایران*، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: نشر و پژوهش فرزانه‌روز.
- کنبی، شیلا، ۱۳۸۶، *عصر طلایی هنر ایران*، ترجمه حسن افشار، تهران: انتشارات نشر مرکز.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۴، *رضا عباسی اصلاح‌گر سرکش*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۷۸، *نقاشی ایرانی*، ترجمه مهدی حسینی، تهران: دانشگاه هنر.
- گل‌محمدی، جواد، ۱۳۵۶، «ویژگی‌های نقاشی مکتب صفوی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران* (۹۷ و ۹۸): ۳۲۵-۳۳۶.

## **Influence of Kashan's painters on Safavid textiles**

**Maliheh Qorbani**

*M.S. in Studies of Fine Arts from University of Kashan  
ghorbany1351@yahoo.com*

**Hasan Azizi**

*Member of Carpet Group in Architecture and Art Faculty, University of  
Kashan  
hazizi79@yahoo.com*

### **Abstract**

From the viewpoint of design, pattern, and theme, Safavid textiles may be related and attributed to the style of particular painters. This influence of painting is shown on textiles as the patterns of human, flower or bird. This survey, considering effects of (miniature) painting on the textiles, studies Kashan, its painters, and situation of textile manufacture centers in Safavid era. The survey shows that the influence of Kashan's painters, like Ali Aziz, Ali Asghar Kashani, Reza Abbasi, Moein Mosavvar, and Shafi' Abbasi are analyzed. The vast similarities between designs and patterns of miniatures and textiles of Safavid era remove any doubt about the mentioned influence.

This survey and documentation of it remind the importance of researching cooperation in achieving beneficial results in applied arts. The paper, using historical-analytical methodology, compares patterns of textiles and paintings whose images are collected from archived documents.

**Keywords:** Painters of Kashan, Designing, Safavid Textiles, Safavid Paintings.



# Studies on Kashan

- **Organization and preservation of landscape zone of ancient Tepe Sialk**  
Mohsen Javeri, Majid MontazerZohuri, Javad HoseinZadeh
- **Aran va Bidgol in historical sources/** Muhammad Mashhadi Noushabadi
- **Three drinking companions in Khozzaq village of Ravand; an account of some Muslim warriors in Kashan/** Hosein Imanian
- **Kashanological aspects in historiographies of Qom, Isfahan, and Kashan**  
MohammadReza MahdiZade
- **Social profile of Iranian Jews in Safavid era/** Hosein Heydari, Ali Fallahian Vadeqani
- **Influence of Kashan's painters on Safavid textiles/** Maliheh Qorbani , Hasan Azizi
- **Study of four dialects of Kashan (AbuZaydAbadi, Barzoki, Totmachi, Qohrudi)**  
Seyed Tayyeb Razzaqi
- **Traditional irrigation system of Sulaymaniyah spring in Fin of Kashan/** Abbas Torabzade